

ادامه از صفحه ۶

آخرین وضعیت پرونده احمدی‌نژاد و منشی‌ای

الان وضعیت واقعا اسفناک است و هیچ فرد منصفی حاضر نیست این همه لطمات را بپذیرد. امیدوارم به‌زودی شورای عالی فضای مجازی اقدامات لازم را داشته باشد.

او در پاسخ به سوالاتی درباره مدیران دوتابعیتی گفت: طبق قانون مدیران دوتابعیتی حق ندارند در هیچ کار دولتی‌ای مشغول شوند. وی افزود: در قانون پیش‌بینی شده که اموال غیرمنقول فرد دوتابعیتی باید توسط دادستانی به فروش برسد و مانده آن به فرد باز پس داده شود. حال اگر فردی دوتابعیتی‌بودن خود را پنهان کند، در این حد هم جرم و قابل تعقیب است، اما درمورد دوتابعیتی‌ها نقص و خلا قانونی داریم که این موضوع در مجلس در دست بررسی است. وی ادامه داد: در مواردی دوتابعیتی‌ها تحت عنوان مشاور به کار گرفته می‌شوند که این هم خلا قانونی است. بارها وزارت اطلاعات اعلام کرده است که ما هیچ مدیر دوتابعیتی نداریم. اما ممکن است فردی مدیر نباشد و در دستگاه دولتی کار کند، اما در تحقیق وتفحص مجلس مشخص شده که مدیر دوتابعیتی داریم. در رابطه با مجازات افرادی که دوتابعیتی‌ها را به کار می‌گیرند هم خلا قانونی داریم. وی در پاسخ به این سؤال که بانک مرکزی اعلام کرده ارز را در گونی به صرافی‌ها داده است، آیا پرونده‌ای برای مسئولان بانک مرکزی تشکیل شده است؟ گفت: در این رابطه اطلاعی ندارم.

پیگیری جرائم مربوط به پیام‌سان‌های خارجی

سخنگوی قوه قضائیه در پاسخ به سؤال خبرنگاری در رابطه با اینکه آیا با توجه به وقوع جرائم در پیام‌رسان‌های خارجی و کلاهبرداری‌ها و هتاک‌های حینیتی در آنها، این موارد در قوه قضائیه قابل پیگیری است؟ گفت: حتما این امکان وجود دارد، انجام هم می‌شود، اما ممکن است زحمت زیادی داشته باشد.

محسنی‌آزای در صدویست‌وششمین نشست خبری خود با اهالی رسانه در پاسخ به سؤال خبرنگاری مبنی بر اینکه آیا با توجه به وقوع جرائم در پیام‌سان‌های خارجی و کلاهبرداری‌ها و هتاک‌های حینیتی در آنها، این موارد در قوه قضائیه قابل پیگیری است؟ گفت: بله، این امکان حتما وجود دارد چه‌بسا که انجام هم می‌شود گرچه زحمت دارد، اما ممکن و قابل انجام است. نکته قابل‌توجهی که باید بگویم این است که مردم ما باید بداندند فضای مجازی امروز و پیام‌سان‌های خارجی حقیقتا برای کشور مضر هستند، البته این به معنای آن نیست که مردم نباید از آنها استفاده کنند بلکه ممکن است استفاده خوبی هم از آنها صورت گیرد اما جمع امروزه هم مسائل ضدامنیتی، ضداخلاقی، ضدآرزشی و ضداقتصادی توسط دشمنان تحت‌الشعاع قرار می‌گیرد و حتما باید برای آن فکری شود و جلوی جرائم مربوط به آن گرفته شود. وی افزود: قوه قضائیه بارها اخطار داده است که اگر مسئولان ذی‌ربط کاری نکنند وظیفه قوه قضائیه است که این مسائل ورود کند و به جرم‌ها رسیدگی کند. فرقی نمی‌کند جرمی در فضای حقیقی اتفاق بیفتد یا در فضای مجازی. اگر قوه قضائیه کاری نکند به وظیفه‌اش عمل نکرده است و مردم باید پیروند که چرا مقابل جرائم عدیده این فضا نایستادند. شورای عالی فضای مجازی اقدامات مؤثری را در این زمینه انجام داده و درحال‌حاضر نیز مشغول انجام اقدامات دیگری است. قوه قضائیه هم به‌بلحاظ وظیفه ذاتی خود حتما اقدام خواهد کرد.

سخنگوی قوه قضائیه با بیان اینکه خود مردم باید با توجه به حجم جرائم بسیار مضر در این پیام‌سان‌ها به پیام‌سان‌های داخلی مراجعه کنند یا اقدام دیگری انجام دهند، گفت: وضعیت امروز بسیار اسفناک است و هیچ فرد عاقلی حاضر نیست این حجم از لطمات را بپذیرد. قوه قضائیه در فضای مجازی، این حجم از تحمل کنیم. در رابطه با رسیدگی قوه قضائیه به جرائم مربوط به این پیام‌سان‌ها گفتنی است که افرادی شکایت می‌کنند، پیگیری‌ها هم انجام می‌شود، برخی موارد زودتر و برخی دیرتر به نتیجه می‌رسد. محسنی‌آزای در پاسخ به سؤال خبرنگار دیگری مبنی بر اینکه با توجه به شش‌سادهای مطرح در قوتوال، آیا قوه قضائیه به این موارد ورود می‌کند یا نه؟ عنوان کرد: وقتی فسادی اتفاق می‌افتد، مواردی که جبه عمومی دارد مدعی‌العموم وارد می‌شود و اگر مواردی جنبه خصوصی داشته باشد امکان ورود مدعی‌العموم وجود نخواهد داشت. وی در پاسخ به سؤال خبرنگار دیگری مبنی بر آخرین وضعیت پرونده مربوط به مؤسسات مالی اعتباری غیرمجاز، تصریح کرد: تعدادی مانند فرشتگان و البرز ایرانیان افرادی بازداشت شدند و تعدادی با قرارهای وثیقه‌ای که تا حدودی سنگین هستند آزادند. متخلفین و مجرمین مجازات می‌شوند، سپرده‌گذاران تا جایی که ممکن است به سپرده‌های خود دسترسی پیدا می‌کنند.

مابقی موارد ان‌شاءالله با شناسایی اموال انجام خواهد شد. سخنگوی قوه قضائیه در پاسخ به انتقاد یکی از خبرنگاران درخصوص اینکه علیرغم اعلام علنی‌بودن دادگاه حمله تروریستی به مجلس و داعشی‌ها، صرفا خبرگزاری میزان امکان حضور در جلسات دادگاه را دارد و همچنین درخصوص اینکه آیا برای دادگاه دکل نفتی رای صادر شده است یا نه؟ گفت: دادگاه دکل نفتی منتهی به صدور رای نشده است. ۱۱ جلسه دادگاه در این‌باره برگزار شده، درخصوص دادگاه علنی که گفته شد شاید این حجم از افراد نتوانند حضور داشته باشند.

politics@sharghdaily.ir

ادامه از صفحه اول

اندیشه‌های سیاسی: اندیشه‌های توصیفی – تبیینی، اندیشه‌های ارزشی – هنجاری، اندیشه‌های توصیه‌ای – تجویزی.

به اختصار به هر یک اشاره می‌کنیم:

● **بکسم**. اندیشه‌های توصیفی- تبیینی. اندیشه‌های توصیفی (descriptive) تلاش روشمند برای بیان ویژگی‌های «موضوع» است. ازاین‌رو به پرسش‌هایی درباره وجود، اندازه، شکل و توزیع یک پدیده یا متغیر پاسخ می‌گوید. اندیشه‌های توصیفی با برشمردن ویژگی‌های موضوع به ما کمک می‌کنند تا «طبقه‌بندی» و «مقایسه» کنیم. اندیشه‌های تبیینی (explanatory) تلاش روشمند برای پاسخ‌گویی به پرسش‌هایی درباره «چرایی» و «چگونگی» ایجاد یک پدیده هستند. حاصل اندیشه‌های تبیینی گزاره‌هایی هستند که روابط علی (علت و معلولی) میان متغیرها و پدیده‌ها را بیان کرده یا دست‌کم روابط همبستگی موجود میان آنها را بیان می‌کنند. روشن است که اندیشه‌های توصیفی و تبیینی ناظر به واقعیت‌ها (facts) هستند.

● **دوم**. اندیشه‌های ارزشی- هنجاری. هنجارها قواعد رفتار هستند؛ قواعدی که معین می‌کنند در یک گروه یا در یک موقعیت چه رفتاری لازم و پذیرفتنی است. هنجارها، مبین انگاره‌های رفتاری مشخصی هستند که فرد «باید» یا «بهرتر» است از آنها پیروی کند و به همین دلیل معیارهایی هستن برای ارزیابی رفتار فرد یا گروه. ارزش‌ها با هنجارها تفاوت دارند. هنجارها قواعد رفتار هستند درحالی‌که ارزش‌ها معیارهایی کلی هستند و بسیاری از اوقات مستقل از موقعیت و شرایط هستند. برخی از آنها چنان کلی- عمومی و دائمی هستند که در تمام فرهنگ‌ها و جوامع وجود داشته و مقید به زمان و مکان نیستند. بخشی از اندیشه‌های سیاسی معطوف به بحث از هنجارها و ارزش‌ها در عرصه سیاست است. تعیین آرمان‌ها و مطلوب‌ها، باید‌ها و نباید‌ها خوب‌ها و بد‌ها در این بخش صورت می‌گیرد. نتایج این‌گونه اندیشه‌ها در قالب جملات امرونهی خود را نشان می‌دهند.

● **سوم**. اندیشه‌های توصیه‌ای- تجویزی. اندیشه‌های تجویزی (prescriptive) با هدف ارائه راه‌حلی برای مشکلات و نابسامانی‌ها صورت می‌گیرند. معمولا تدابیری به اداره‌کنندگان یک حوزه خاص پیشنهاد می‌کنند که از طریق آنها بتوان یک وضعیت نامناسب و نامطلوب را به وضعیتی قابل‌قبول و مطلوب تبدیل کرد. ازاین‌رو ضرورات این بخش از اندیشه‌ها از جنس جاره‌اندیشه‌ی و راه‌حل‌جویی و تدبیرکنند است. روشن است که در جهان واقعی و در اذهان ما این سه گونه از اندیشه به طور مشخص از یکدیگر تفکیک نشده و متمایز نیستند. این تفکیک، تفکیکی تحلیلی است و از این نظر اهمیت دارد که به ما گوشزد می‌کند که طرح ادعا و رد و قبول ادعاها در هر زمینه باید از روش‌های خاص خود تبعیت کند و نمی‌توان با همان روشی‌که از ادعاها توصیفی یا تبیینی دفاع می‌کنیم، از ادعاها ارزشی و هنجاری هم دفاع کنیم؛ اما نکته مهم‌تری نیز درباره این طبقه‌بندی وجود دارد. اندیشه‌های توصیه‌ای و تجویزی حاصل همکاری منطقی دو دسته دیگر از اندیشه‌ها هستند!

صورت توصیه‌ها و تجویزها‌ها ما این است که «اگر می‌خواهی (ب) تحقق پیدا کند، (الف) را ایجاد کن» یا «اگر می‌خواهی (ب) از میان برود، (الف) را از میان بردار». این توصیه و تجویز زمانی می‌تواند منطقی و موجه باشد که شما به دو مقدمه باور داشته باشید. نخست مقدمه، توصیفی و تبیینی است؛ «اگر (الف) وجود داشته باشد، آن‌گاه (ب) پدید خواهد آمد». درواقع بدعوی رابطه علیّ میان (الف) و (ب) تأیید می‌شود. دومین مقدمه ارزشی و هنجاری است: «پدیدآمدن یا ازمان‌رفتن (ب) مطلوب است و باید اتفاق بیفتد». هر یک از این دو مقدمه که رد شدند، توصیه و تجویز پیشنهادی نیز بی‌اعتبار و غیرموجه می‌شود. برای هر توصیه و تجویزی دست‌کم به دو مقدمه، یک توصیفی و تبیینی و دیگری ارزشی و هنجاری نیاز داریم.

اولین پرسش مطرح‌شده در ذهن من درباره کتاب دکتر بشیریه از همین‌جا شکل می‌گیرد. «حکمت

سیاسی» مد نظر ایشان معطوف به مباحث «ارزشی و هنجاری» است یا مباحث «توصیه‌ای و تجویزی»؟ تصور می‌کنم اگر این تفکیک با دقت صورت نگرد، نتایجی از آن خواهیم گرفت که نامتناسب خواهند بود. پرسش درباره اهداف و غایت‌های مطلوب زندگی سیاسی یک مقوله است و پرسش درباره «چگونگی» دستیابی به آنها و تحقق بخشیدن به آنها مقوله‌ای دیگر. به نظر می‌رسد دکتر بشیریه نیز به همان خطای دچار شده که بخش عمده‌ای از اقتصاددانان به آن دچار شده‌اند و میان «احکام ارزشی» و «احکام تجویزی» تمایز قائل نمی‌شوند. اگر منظور دکتر بشیریه از دانش سیاسی موجود (و نامطلوب) به سوی وضع مطلوب باشد، این تجویز بدون تکیه به گونه‌ای از رابطه علیّ (محصول اندیشه‌های تبیینی) موجه و مستدل نیست.

اگر ما به شکل موجهی باور نداشته باشیم که «اگر p آن‌گاه q»، چگونه می‌توانیم توصیه و تجویز کنیم که «چون q مطلوب است، برای ایجاد p بکوش»؟ هر تجویزی به طور منطقی به یک پایه تبیینی احتیاج دارد. پرسشی که می‌توان در برابر دکتر بشیریه قرار داد، این است که اگر توصیه و تجویز نیازمند پایه‌ای تبیینی است، این پایه تبیینی را باید از چه منبعی اخذ کرد؟

در فضای فکری و فرهنگی آشنای جامعه‌ما، حداقل سه نوع تبیین درباره پدیده‌ها مشاهده می‌شود. یک نوع تبیین‌های دینی است. در این‌بین دینی جهان مجموعه‌ای از آنچه‌ها (نشانه‌ها) و سنت‌ها و قواعد) و قوانین حاکم بر آنها) است که اشاره به هستی

سیاست

اندیشه سیاسی چیست؟ عمل سیاسی کدام است؟



پدیده

نوع سوم تبیین علمی (تجربی) است. تبیین علمی، همواره در سایه نظریه‌های علمی صورت می‌گیرد. بدون یک نظریه علمی نمی‌توان از پدیده‌ای تفسیر علمی داد. تفسیر علمی یعنی اینکه یک واقعه خاص را مصداقی از نظمی عام قرار دهیم.

بحث ما در اینجا درباره ویژگی‌های هر یک از این تبیین‌ها و نقش و رابطه متقابل آنها با اعتبارداشتن و اعتبارنداشتن آنها نیست. پرسش درباره این است که کدام‌یک از این تبیین‌ها می‌توانند به‌عنوان مقدمه منطقی تجویز مورد بهره‌برداری قرار گیرند؟ در واقع می‌توان از نسبت میان هر یک از این انواع تبیین با عمل پرسش کرد. هم تبیین‌های دینی و هم تبیین‌های متافیزیکی تأثیر خود را روی تعیین جهت عمل و راه کلی زندگی می‌گذارند؛ اما تبیین علمی راه تصرف و تسلط بر پدیده‌ها را نیز نشان می‌دهد. درواقع تبیین و دید علمی به انسان قدرت و توانایی «تغییر» و «تصرف» در پدیده‌ها استفاده آینه‌ای را هم راستای عمل و ارزش‌های خود را می‌دهد. درحالی‌که تبیین دینی و فلسفی نقش خود را در مشخص‌کردن جهت عمل و انتخاب راه زندگی مشخص می‌کنند (مطهری، ۱۳۵۷: ۱۸).

به گمان برخی از فیلسوفان علم، دلیل این تفاوت تأکید علوم تجربی بر چیزی است که طبیعت‌شناسان قدیم به آن «تجسرات» (در مقابل «مقایل» می‌گفتند (سروش، ۱۳۶۹: ۲۳). بدون آنکه وارد بحث از دلیل تفاوت بشویم، می‌دانیم که تنها از تبیین‌های علوم تجربی است که می‌توان برای شکل‌دهی به مقدمه منطقی تجویز (پایه توصیف و تبیین) بهره گرفت و نه سایر تبیین‌ها. ازاین‌رو برای هر نوع تجویزی چه درباره پدیده‌های طبیعی (فن و فناوری) و چه درباره پدیده‌های اجتماعی (خطمشی‌گذاری و طراحی راهبرد و برنامه‌ریزی) باید پایه‌ای از جنس علوم تجربی فراهم کرد. بحث در واقع از همین‌جاست که با علم سیاست» (politics) پیوند می‌خورد. مطابق با فهم متعارف، علم سیاست شاخه‌ای از علوم اجتماعی است و علوم اجتماعی در کنار علوم دقیقه (فیزیک، شیمی، مکانیک و نجوم) و علوم زیستی، مجموعه بزرگ علوم تجربی (Science) را شکل می‌دهند. از این رو، هرآنچه درباره علوم اجتماعی به‌طورکلی صادق است، درباره علم

سیاست نیز صادق دارد. موضوع علوم اجتماعی «رفتارهای فردی و جمعی- ارادی و غیرارادی و آگاهانه و ناآگاهانه انسان» است. از این رو، علم سیاست نیز حول «رفتارهای انسان در رابطه با قدرت نهاده‌بشده» می‌چرخد. علم سیاست نیز مانند سایر علوم اجتماعی می‌کوشد رفتارهای انسان را در «قالب نظم‌های تجربه‌پذیر» فهم و تفسیر کند. به همین دلیل است که روش

سیاست نیز مصداق دارد. موضوع علوم اجتماعی «رفتارهای فردی و جمعی- ارادی و غیرارادی و آگاهانه و ناآگاهانه انسان» است. از این رو، علم سیاست نیز حول «رفتارهای انسان در رابطه با قدرت نهاده‌بشده» می‌چرخد. علم سیاست نیز مانند سایر علوم اجتماعی می‌کوشد رفتارهای انسان را در «قالب نظم‌های تجربه‌پذیر» فهم و تفسیر کند. به همین دلیل است که روش

غالب در آن، «روش تجربی» است و بخشی از علوم تجربی محسوب می‌شود و بد دانش‌های عقلی یا نقلی، کم‌وبیش از مباحث مطرح‌شده درباره موضوع، روش، هدف، امکان‌پذیری، اعتبار و... این علوم مطلع هستم؛ به‌ویژه از مباحثی که در فلسفه علم و فلسفه علوم اجتماعی مطرح می‌شود، چیزهایی خوانده و شنیده‌ام. در مجموع گمانم این است که می‌توان «علوم تجربی اجتماعی» داشت؛ اما این بارو هیچ ارتباطی با قرارگرفتن ذیل سرمشق «اثبات‌گرایی» ندارد. نکته‌ای که به دفعات در اثر دکتر بشیریه تکرار می‌شود، پیوندادن علم سیاست متعارف با اثبات‌گرایی است. مگر آنکه با تسامح «علم سیاست اثباتی» را به معنای توصیفی و تبیینی بگیریم و نه به معنای اثبات‌گرابودن این شاخه از علم تجربی، چنان‌که سرمشق‌های پژوهشی موجود در محافل آموزشگاهی و علمی را به چهار سرمشق «اثبات‌گرایی»، «واقع‌گرایی پیچیده»، «نظریه انتقادی» و «برساخت‌گرایی» تقسیم کنیم، می‌دانیم این سرمشق‌ها را می‌توان از نظر هستی‌شناختی، معرفت‌شناختی و روش‌شناختی با یکدیگر مقایسه کرد. برای باور به امکان وجود «علم سیاست تجربی»، هیچ ضرورتی ندارد دیدگاه‌های اثبات‌گرایان را درباره فلسفه علم بپذیریم. گمان نمی‌کنم در میان فیلسوفان علم امروز، بتوان کسی را یافت که از اعتبار برخوردار بوده و هنوز از باورهای «پوزیتیویستی» نسبت به علوم تجربی دفاع کند. اثبات‌گرایی به یک معنا، امروز مرد است. مگر آنکه دکتر بشیریه اثبات‌گرایی را به مفهوم دیگری به کار بگیرند که همه طرفداران امکان‌داشتن «علوم اجتماعی تجربی» را دربر بگیرد. در برخی اشاره‌های دکتر بشیریه برمی‌آید

سرمشق غالب

نظریه کلان

نظریه رسمی (موری)

نظریه محتوایی

تعیین محدوده پرشش

گزاره

تعریف

نماد

باری برساند. اگر قبول داشته باشیم نمی‌توان مردم را دعوت به «غیرممکن» کرد و نمی‌توان چیزی را به‌عنوان «آرمان» ترویج کرد که تحقق‌بخشیدن به آن «ناممکن» باشد. آن‌گاه می‌توانیم پرسیم چگونه می‌توان دریافت که کدام آرمان سیاسی ممکن است و کدام آرمان سیاسی ناممکن؟ ارزش سیاسی را اکثریت انسان‌ها در اکثریت مواقع نتوانند به آن پایبند باشند، نمی‌توان به‌عنوان ارزش ترویج کرد. در سیاست باید «آرمان‌گرای واقع‌بین» بود؛ یعنی به‌دنبال تحقق ممکن‌ها گشت. چه دانشی برای ما امکان‌پذیریودن یا امکان‌پذیرنبودن یک آرمان و ارزش روشن می‌کند؟ به نظر نمی‌رسد دانشی غیر از علم سیاست و دانش‌هایی مانند جامعه‌شناسی- سیاسی و اقتصاد سیاسی که حاصل ترکیب آن با علوم اجتماعی دیگر است، قادر به انجام این کارکرد باشد. علوم سیاسی و علوم ترکیبی همراه با آن، می‌توانند به‌عنوان راهنمایی برای آزمون «واقع‌بینی» آرمان‌ها و ارزش‌ها به ما یاری برسانند و از این طریق انتخاب میان آرمان‌ها و ارزش‌ها را موجه و معتبر کنند. واقع‌بینی (امکان‌پذیری) یکی از معیارهای نقد آرمان‌ها و ارزش‌هاست. حتی اندیشه‌های ارزشی و هنجاری سیاسی نیز نمی‌تواند بی‌نیاز از علم سیاست و شاخه‌های مختلف آن باشد. به نظر می‌رسد دعوت به گذار از علم سیاست برای احیای اندیشه سیاسی، راه به جایی نمی‌برد؛ هم در توصیف و تبیین، هم در ارزش‌گذاری و دآوری هنجاری و هم در توصیه و تجویز همه‌جا نیازمند دانش تجربی نسبت به رفتار سیاسی انسان هستیم. علم سیاست شرط لازم (و نه کافی) داشتن اندیشه‌های معتبر و موجه درمورد سیاست است. ابهام در مفاهیم‌گاه با به‌کارگیری واژه‌های نامناسب تشدید می‌شود؛ برای مثال می‌توان از به‌کارگیری دو واژه «دولت» و «سیاست‌گذاری» یاد کرد. واژه دولت به مبان علوم‌سیاسی‌دان‌ها در مقابل اصطلاح «state» به کار می‌رود، دکتر بشیریه با وجود آنکه در جای دیگری گفته‌اند این کاربرد با کاربرد معمول در جامعه امروز صا هم‌خوانی ندارد و دولت در برابر اصطلاح «government» به کار می‌رود، اما خود نیز در این متن بر همین کاربرد غیرمعمول پای می‌فشازند.

مثال دیگر برابرنهاده انتخابی برای اصطلاح «policy» است. دکتر بشیریه مانند سایر علوم‌سیاسی‌دان‌ها این اصطلاح را به «سیاست» ترجمه می‌کند. درحالی‌که «politics» را هم «سیاست» ترجمه می‌کنند. پذیرش ترجمه واحد برای دو اصطلاح مختلف که مشخص نیست تا اندازه‌ای بر آن بفاکری می‌شود، گاه تمایزها و تفاوت‌های علم سیاست و علم خطمشی را کم‌رنگ می‌کند. مطالعه خطمشی‌های عمومی «public policy» و خطمشی‌گذاری عمومی «public policy making» اگرچه در اندیشه‌های افرادی مانند وبر و کینز هم دیده می‌شد، اما در فاصله دو جنگ جهانی و اوایل دهه ۱۹۶۰ بود که توسط «هارولد لاسول»، به یک جریان مطالعاتی تجویز تبدیل شد. در واقع شکل‌گیری «علوم خطمشی‌گذاری» هم‌زمان با دوران اوج و قدرتمندی علوم سیاسی بود. خطمشی‌های عمومی قواعد و اصولی هستند که توسط مراجع ذی‌صلاح در کشور وضع شده‌اند و راهنمای عمل بخش عمومی بوده و اولویت‌ها و باید‌ها و نباید‌ها را برای حل مسائل و مشکلات عمومی مشخص می‌کنند. ازاین‌رو خطمشی‌های عمومی به همه حوزه‌های زندگی جمعی ما مربوط می‌شوند و نه فقط می‌توان فرایند خطمشی‌گذاری عمومی را در سه مرحله تدوین خطمشی، اجرای خطمشی و ارزشیابی خطمشی خلاصه کرد (الوانی، ۱۳۹۵: ۹). نکته مهمی که باید مورد توجه قرار گیرد، این است که «تدوین و شکل‌دهی خطمشی عمومی» از جنس اندیشه‌های توصیه‌ای و تجویزی در حوزه‌های مختلف زندگی جمعی (اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و روابط خارجی) است. از این رو تمام مباحثی که در زمینه ابتای هر توصیه و تجویزی بر دو پایه منطقی توصیف و تبیین از یک سو و ارزش‌گذاری و هنجارگذاری از سوی دیگر است، در اینجا نیز قابل تکرار است. می‌توان گفت برای خطمشی‌گذاری اقتصاد به علم اقتصاد، برای خطمشی‌گذاری اجتماعی به جامعه‌شناسی، برای خطمشی‌گذاری سیاسی به علم سیاست و الی آخر نیازمندیم. بدون یک پایه از جنس علوم اجتماعی تجربی، خطمشی‌گذاری عمومی تیراندازی در تاریکی است. گمان می‌کنم این واقعیت مورد غفلت دکتر بشیریه قرار گرفته است.

بحث را جمع کنیم؛ واقعیت این است که فلسفه به ویژه گرایش فلسفه تحلیلی در مورد حوزه فلسفه سیاسی در قرن بیستم دچار رخوت و سکوت محسوسی شد، به گونه‌ای که دیگر فلسفه سیاسی که نیازمند تقویت و احیا هستند. احیای اندیشه درباره سیاست، با انکار اهمیت هیچ یک از این دانش‌ها به پیش نخواهد رفت. امیدوارم کتاب دکتر بشیریه، چون آثار پیشین او، سبترساز گفت‌وگوهای انتقادی و ارتقای سطح عمومی اندیشه در جامعه ما شود. امیدوارم زمانی قدر اندیشمندانی چون بشیریه را بهتر بدانیم و از وجودشان برای گوی‌بخیدن به شعله‌های روشنگری در داخل کشور بهره ببریم.

دوشنبه ۱۰ اردیبهشت ۱۳۹۷

روزنه

دادستان تهران:

در ارتقا، تبعیضی میان قضات زن و مرد قائل نمی‌شویم

● عباس جعفری‌دولت‌آبادی، دادستان تهران، در جلسه‌ای با حضور ۴۰ نفر از قضات زن این دادسرا، به قضات زن توصیه‌هایی کرد. به گزارش میزان تاکنون ۲۲۹ قاضی زن در دادسرای تهران و در سمت‌های دادرایی، بازپرسی و معاونت دادستان انجام وظیفه کرده‌اند که ۱۳۶ نفر دارای مدرک کارشناسی ارشد حقوق و ۲۱ نفر نیز مدرک دکتری دارند. دولت‌آبادی در اهمیت جایگاه قضات زن و ضرورت رعایت شئون قضائی توسط این قضات گفت: باید از هر اقدامی که به جایگاه قضائی قضات خدشه وارد کند، اجتناب کنید و به‌عنوان مثال، رعایت حجاب از سوی قضات زن، افزون بر محل کار، در بیرون از محل خدمت نیز ضروری است؛ چراکه قاضی مسلمان باید به این‌گونه امور توجه کند. دادستان تهران پیشرفت قضات زن را منوط به کار و تلاش بیشتر دانست و در این زمینه از تمثیل آهنی که در آتش گداخته می‌شود، سود برد. او ضمن انتقاد از برخی زنان قاضی که به‌محض جابه‌جایی آنها از یک ناحیه به ناحیه دیگر دادسرا، درخواست بازنشستگی، بازخریدی یا استعفا ارائه می‌دهند، گفت: ما به قضاتی نیاز داریم که در سختی‌ها کمک کنند و روحیه جهادی داشته باشند و اگرچه که بعضا موانع شرعی و قانونی و یا عسر و حرج قاضی از جابه‌جایی باید موردتوجه قرار گیرد، اما این مصادیق باید استثنا باشد و نمی‌شود که تمامی قضات زن را در عسر و حرج فرض کنیم. جعفری‌دولت‌آبادی بهترین طریق نظارت بر قضات را نظارت درونی خواند و با تکلیف سرپرستان، دادستان‌ها و رؤسا به سرکشی بر قضات، گفت: داسرای تهران تنها بخش از دادگستری‌های کشور است که از پنج سال پیش، معاونت نظارت و ارزیابی بانوان دارای پایه قضائی را راه‌اندازی کرده و یکی از معاونان زن را به‌عنوان سرپرست این معاونت منصوب کرده است. او این تصمیم را در جهت حمایت از قضات زن و جلوگیری از نظارت مردان بر آنان دانست و درخصوص وظایف معاونت نظارت و ارزیابی بانوان دارای پایه قضائی، افزود: نیروهای خوبی در میان شما حضور دارد که این نیروها باید شناسایی شوند و مورد تشویش قرار گرفته یا ترفیع مقام پیدا کنند. دادستان تهران توقع خود از قضات حاضر در جلسه را همکاری با بخش نظارت و ارزیابی، کمک در حل مشکلات مردم و پاسخ‌گویی به آنها و رفع اطلاع دادرسی در پرونده‌ها اعلام کرد و افزود: با این روش است که می‌توانید به سایر قضات نشان دهید که چه‌بسا سریع‌تر و بهتر از آنها کار می‌کنید، ابتکار عمل بیشتری دارید و از فناوری‌های نوین روز در رسیدگی‌های قضائی عقب نمانده‌اید. در مقابل دادستانی ما بر آن است که در تشویق‌ها و پیشنهادهای ارتقا، تبعیضی میان قضات زن و مرد قائل نشود و پیشنهاد بازپرسی سه نفر از قضات زن که مورد پذیرش رئیس قوه قضائیه قرار گرفت و انتصاب آنان در شعب بازپرسی داسرای اطفال و نوجوانان، مؤید این رویکرد است.

ادامه از صفحه ۲

هرکسی با یک خارجی ملاقات می‌کند لزوما جاسوس نیست

وقتی ایشان چند سال قبل از پیروزی انقلاب پیش‌بینی کردند که مجاهدین خلق، مارکسیسم می‌شوند، از همین‌جا بود که دشمنی‌ها با شهید مطهری آغاز شد و گروه فرقان که ایشان را به شهادت رساند نیز شاخه‌ای از مجاهدین خلق بود. این دلایل بود که آنان بزرگ‌ترین دشمن خود را شهید مطهری می‌دانستند، چراکه ایشان معتقد بودند سران منافقین به دروغ دم از اسلام می‌زنند». به گفته او «در اعتراضات اخیر که در دی‌ماه سال گذشته انجام شد، منشأ این اعتراضات درون حکومتی بود، چراکه یک عده برای ضربه‌زدن به دولت این اعتراضات را به راه انداختد، اما به‌سرعت کار از دستانشان در رفت و منافقین و سلطنت‌طلبان ایران برای آن بهره‌برداری کردند». مطهری با بیان اینکه در رفتار با مردم و مخالفان مشکل داریم، گفته: «این سخت‌گیری‌ها مضر به حال انقلاب است. این نگاه امنیتی باید تغییر کند و متوجه باشیم که همه جاسوس و نفوذی نیستند. هرکس که با یک خارجی ملاقات می‌کند، جاسوس نیست. این انتخاب مردم حتی اگر اشتباه باشد، باید احترام بگذاریم و شرایط باید به‌گونه‌ای باشد که مردم از اظهارنظر ترسند. قانون اساسی اگر درست اجرا شود موارد بسیار خوبی دارد. فصل سوم قانون اساسی درمورد حقوق ملت است، اما متأسفانه گاهی آن را دور می‌زنیم». مطهری افزود: «این سخن دانشجوین را قبول دارم که نظارت استوصایی باید روزی حل شود. اعتقاد دارم که این نظارت باید با قانون انتخابات حل‌وفصل شود. هم‌اکنون برای تعیین صلاحیت کاندیداهای انتخابات باید استعلام‌های چهارگانه کفایت کند، اما گاهی تحقیقات محلی برای تعیین صلاحیت کاندیداها به کار گرفته می‌شود که این اشتباه است»